

## کشوری بنام «ازبکستان»

### ارژنگ امیرخسروی

امروزه در مجموعه کشورهای عضو اکو و کشورهای به اصطلاح «مستقل» مشترک المنافع، نام جمهوری ازبکستان ملاحظه می‌گردد. اگر چه نام این کشور مانند محدوده‌اش جدید است ولی نقش ساکنین آن در تاریخ منطقه، ایران، اسلام و جهان، از نظر تکامل فرهنگی و صنعتی، علمی و ادبی و ایجاد مراکز درخشان مدنیت آنچنان حائز اهمیت است که برای آگاهان از سوابق تاریخی نیمه غربی آسیا، انتخاب و رجحان بین ازبکستان و کشورهای چون ایران، عثمانی و هندوستان مسلمان و مصر با دشواری همراه خواهد بود.

مراجعه اجمالی به سطح تمدن و فرهنگ مردم خاوران که شامل خراسان و خوارزم و رارود (ماورالنهر) می‌شد، می‌تواند در شناخت وضعیت مردم این جامعه مفید واقع شود.

با تمام محدودیت منابع باز هم دانسته‌های زیادی می‌توان در مورد گذشته ماوراءالنهر و خوارزم یافت که نتیجه تلاش دانش پژوهان ماوراءالنهر و سایر علمای اسلامی است. اضافه می‌نماید که اطلاعات مورخین و مؤلفین اسلامی و ایرانی از مردم و منطقه ماورالنهر، با اطلاعات سایر منابع از قبیل روسها، چینی‌ها و هندیها قابل مقایسه نیست. مقدسی در تقسیم جامعه اسلامی به اقالیم عربی و عجمی می‌نویسد:

«زبان مردم این هشت اقلیم عجمی است برخی از آنها دری و دیگران پیچیده ترند، همگی آنها فارسی نامیده می‌شوند.»<sup>(۱)</sup>

و ابن واضح یعقوبی در توصیف سمرقند گفته است:

علت سمرقند ان یقال لها	زین خراسان جنه‌الکور
الیس ابراجها معلقه	بحیث لانستبین للنظر
و دون ابراجها خنادقها	عمیقه ماترام من ثفر
کانها و هی وسط حانطها	محفوفه بالظلال و الشجر
بدر، وانهارهاالمجروا	أطام مثل الکواکب الزهر

«سمرقند بالاتر از آن است که به آن زینت خراسان گفته شود، بلکه بهشت استانها است، مگر نه این است که کوشکهای آن (بلندو) آویخته است که بخوبی دیده نمیشود و زیر کوشکهای آن، خندقهای آن چنان ژرف است که از هیچ رخنه‌ای نمی‌توان در آن طمع کرد، گویا سمرقند در میان باره‌اش و در حالی که سایه‌ها و درختها پیرامون آن را فراگرفته است، ماهی است کامل و تمام و نهرهای آن کهکشان و کوشکهای آن مانند ستارگان درخشان.»<sup>(۲)</sup>

توصیف یعقوبی در البلدان، با توجه به اینکه خود وی متولد بغداد یعنی قلب خلافت اسلامی بوده و به کشورهای زیادی سفر کرده است، بیان شاعرانه یک نویسنده از زادگاه خود نیست بلکه در آثار کلیه جغرافی‌دان‌های عصر اسلامی می‌توان مطالب مشابهی در مورد عمران، علم، مروت، دینداری و طبیعت این بخش از خاوران پیدا کرد. نوشته مقدسی در این مورد ذیلاً آورده می‌شود:

۲. احمد بن ابی یعقوب (ابن واضح) البلدان ص ۱۵۶.

۱. مقدسی احسن التقاسیم ص ۳۷۸.

## خاوران

مهمترین آن سرزمین‌ها است، پیش از همه جا دانشمند دارد، جای نیکوکاری و مرکز دانش و پایگاه اسلام و دژ استوار آن است. شاه آنجا سرآمد شاهان و سربازانش بهترین سربازانند. مردمی نیرومند، صاحب‌رای، نامدار، ثروتمند، سواردار، کشورگشا و پیروزمند دارد. چنانکه به عمر نوشته شده بود:

ایشان مردمی هستند پوشاکشان آهنین، خوراکشان گوشت خشکانیده، آشامیدنشان آب یخ است.

روستاهای معتبر، دیه‌های گرانبه با درختان سردرهم کشیده و رودخانه‌های روان و نعمت فراوان و ناحیتهای گسترده دارد.

در آنجا دیانت درستین، دادگری راستین، دولت پیروزمند و کشورداری هموار است. در آنجا دانشمندان به حکومت رسند و در جز آنجا بردگان سلطنت می‌کنند. این سرزمین سد راه ترکها و سپر غزها و ترساننده رومها و فخرآور برای مسلمانان است، مرکز دانشمندان جان بخش دو حرم خدا و مالک هر دو سوی رود است. جزیره‌العرب از خاوران گشاده‌تر است ولی این از جزیره آبادتر، استانها و روستاها و ثروتش بیشتر است. ابو‌زید خاوران را سه بخش برشمرده: خراسان، سگستان، ماوراءالنهر. ولی من آنرا یک بخش در دو سوی رود جیحون خوانده، هر یک را بنام پایه‌گذارش نامیده‌ام، و نقشه هر سو را جداگانه کشیده‌ام زیرا که هر سو شامل منطقه‌ای بزرگ و دارای استانها و شهرها و روستاهای بسیار است.<sup>(۱)</sup>

مسعودی در مروج الذهب نوشته است:

خانه فقط دو خانه است  
 و ملک فقط دو ملک است  
 زمین ایرانست و اقلیم بابل  
 اسلام مکه است و جهان خراسان  
 و دو طرف عالی و نکوی آن  
 بخارا و بلخ شاهداران است<sup>(۱)</sup>

ابن خرداد به در المسالک و الممالک نوشته است:

گویا سمرقند همچون آسمان سبزی است، کاخهای آن ستارگان درخشان آن است،  
 رودش همانند کهکشانی است برای جلوه گری و بارویش همچون خورشیدی است  
 باطبقات تودرتو<sup>(۲)</sup>

آن قسمت از خاوران که در ورای آمودریا قرار داشته در کتب اسلامی به اسامی  
 ماوراءالنهر و «هیتل» نامیده شده است بدیهی است که ماوراءالنهر ترجمه عربی ورازود  
 یا ورازرود یا آنسوی رود است این قبیل تقسیم بندی از روش های متداول در ایران بوده  
 و هست مانند گیلان بیه پس و گیلان بیه پیش (گیلان آنسوی رود و گیلان این سوی رود)  
 یا میانرودان که چند نقطه ایران به این نام نامیده شده است. توضیحی که مقدسی آورده  
 است نشاندهنده علت این تقسیم بندی خراسان به خراسان این سوی رود و خراسان

۱. مسعودی علی ابن حسن مروج الذهب، جلد اول، ص ۱۵۸.

۲. ابن خرداد به عیداله المسالک و الممالک ص ۱۴۸.

آنسوی رود است:

اگر پرسند که: چرا مانند دیگر مردم هر سوی را سرزمینی جداگانه نشناساندی؟ مگر نبینی خود مردم گویند: خراسان و ماوراءالنهر؟ در پاسخ گفته شود ولی همین مردم نیز از مرزهای قومس تا طراز را خراسان می‌نامند. مگر نه خاندان سامانی شاهان خراساند و در این سوی رود زندگانی کنند؟ من نیز خراسان را نام ویژه این سوی رود نهادم تا سوی دیگر را مانند تو بنامی دیگر بخوانم!<sup>(۱)</sup>

در تقسیم بندی خراسان به خراسان غربی و خراسان شرقی یا ماوراءالنهر می‌توان مدارک متعددی دیگری یافت. که نشان می‌دهد هرگاه سخنی از ماوراءالنهر گفته شده منظور کلیه مناطق آنسوی آمودریا در محدوده فرهنگ ایرانی - اسلامی بوده است.

مثلاً در این بیت:

«اگر پهلوانی ندانی زبان  
ورارود را ماوراءالنهر خوان»

یعقوبی در البلدان می‌نویسد:

و از شهرهای واقع در دست چپ آنکه رو بمشرق است شهری است که آنرا «ترمذ» گویند و شهری که به آن «سرمنکان» گویند... تا محلی بنام «راست» و «کاد» و «بامر».  
و از شهرهای بلخ در طرف شمال شهری است بنام «درب آهنین» که معنی آن باب الحديد است و شهری که به آن «کش» گویند و شهری که آنرا «نَخْشَب» گویند و شهری که آنرا «صُغْد» گویند و از آنجا به کشور سمرقند روند.<sup>(۲)</sup>

۲. یعقوبی البلدان، ص ۶۶.

۱. مقدسی، احسن التقاسیم، ص ۳۷۹.

منطقه خاصی که اکنون ازبکستان نامیده میشود و غالباً در حساب خراسان شرقی و مدتها مرکزیت خراسان را داشته است به اسم «هیتل» نیز شناخته میشده است. مقدسی در این زمینه نوشته است:

### «هیتل»

بدانکه این سوی رود، زرخیزترین زمینهای خدا است، سرشار از نیکی‌ها، آبادانی، دانش پروری، فقه، دینداری، نیرومندی، گردن ستبری، پی‌گیری، دلپاکی، همزیستی می‌باشد. مردم ثروتمند، پاکدامن، نیکخواه، مهمان‌نواز، دانشمندپرست هستند. خلاصه، اسلام در آنجا شاداب، دولت نیرومند، دادگری استوار، فقیهان دانا، ثروتمندان سالم، پیشه‌وران ماهر، فقیران کارگر هستند. آنجا کمتر دچار قحطی می‌شوند [و از دشمنان در امانند] منبرها بیش از اندازه و ناحیتهایش گسترده‌تر از مرز توصیف‌پذیری است ولی من به اندازه توان خود کوشیده‌ام. [صفد گرانقدر سمرقند بزرگ خجند شگفت‌انگیز در آنجا است که دانشگاه‌ها و پیشوایان بزرگ و اداره قدرتمند و جنگجویان دلیر و کاروانسراها و سواران و میوه‌ها و انگور ... و گرایش بسیار به ادب و هنر و حدیث دارند. پس آنجا اکنون هم مرزی جنگی و هم مرکز علمی و جایگاه ارشاد است.]<sup>(۱)</sup>

### «خوارزم»

بخشی از ازبکستان امروزی را خوارزم تشکیل میدهد که مرکز قدیم آن شهر «کات» بوده است و عموماً استقلال یا حداقل خودمختاری داشته است. جوینی می‌نویسد:

و این (خوارزم) نام ناحیت است و نام اصلی آن جرجانیه است و ارباب آن اورگنج خوانند. پیش از قلب ایام و دهور حکم «بلده طیبه و رب غفور» داشت مقر سریر سلاطین عالم و مستقر مشاهیر بنی آدم بود اکتاف آن اکتاف اشراف دهر را حاوی شده و اطراف آن طراف روزگار را ظروف آمده مغانی آن بانواع انوار معانی روشن و رباع و بقاع آن با آثار اصحاب اقدار گلشن.<sup>(۱)</sup>

در این مقاله امکان برشمردن کلیه محاسنی که در مورد خاوران بطور اعم و نواحی خوارزم و بخارا و سمرقند بطور اخص آمده، وجود ندارد بدیهی است که خوانندگان فرزانه با کتب عمده مرجع اعم از جغرافیائی، تاریخی، مذهبی، اخلاقی، عرفانی به ویژه آنچه که قبل و بعد از اسلام در محدوده فرهنگ ایران نوشته شده است، آشنا هستند و میدانند که حتی تعدادی از شهرهای منطقه مانند بخارا، بلخ، هرات، سمرقند، نیشابور دارای تاریخ مجزا هستند و واقفند که اسامی خوارزم و هرات و صغد و امثالهم چه در کتب مذهبی پیش از اسلام مانند «اوستا» و چه در کتیبه‌های دوران هخامنشی درج شده است.

حفاریهای باستانشناسی دانشمندان غربی اعم از روسی و نیز غیر روسی این مسئله را تأیید کرده است و آنها میدانند که مثلاً زبان ختن قدیم که نامش به کرات در کتب ماتقدم درج شده، چه بوده است، همچنین تردیدی ندارند که بین توکاها و تورانیها تفاوت قومیتی وجود دارد و به تفاوت سطح تمدن بین خاوران قدیم و سایر مناطق جهان از جمله روسیه واقفند.

۱. تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح علامه قزوینی، ص ۹۶ و ۹۷.

در کتاب مسلمانان شوروی مطالبی چند در این زمینه نوشته شده است که عینا درج می‌گردد:

در سالهای نخست قرن دهم، خط مرزی میان «تمدن» و «توحش» تقریباً در راستای همان مرزهایی امتداد می‌یافت که امروزه ملل اسلاو «اروپائی» اتحاد شوروی را از مناطقی که اکثراً مسلمان نشین است، جدا می‌سازد: ولگای علیا و سفلی، سلسه جبال شمالی قفقاز، دربند و سیردریا. در آن زمان این «اروپاییها»، نیاکان روسها بودند که بربر محسوب می‌شدند. (هنوز هم پاره‌ای چنین معتقدند که در این وضعیت تفاوت چندانی حاصل نشده است.)

از نظر مسلمانها، قوم «روس» بومیان وحشی و بدوی بودند که منبع برده‌های کمیاب زردموی و مواد خام گرانبهایی چون خز و عاج محسوب می‌شدند. مع ذلک آنان همسایگان خطرناکی هم تلقی می‌شدند و وقایع نگاران اولیه مسلمان از تاراجگریهای آنها (یورشهای ۹۱۲ و ۹۴۱ - ۹۴۴ م / ۲۹۹-۳۰۰ و ۳۲۹-۳۳۳ ق بردریای خزر، انهدام امپراتوری خزر در ۹۴۵ م ۳۳۳-۳۳۴ ق و حمله بر بلغارها در ۹۸۵ م / ۳۷۴ - ۳۷۵ ق) توصیفهای هولناکی بدست داده‌اند.

در خلال سالهای ۹۴۲-۹۴۴ م / ۳۳۰ - ۳۳۳ ق قوم «روس» سراسر ماورای قفقاز مسلمان‌نشین را مورد نهب و غارت قرار داد. بردع [پرتوا] Berdea، آبادترین شهر آذربایجان نابود گردید و ساکنانش قتل عام شدند. به گفته ابن حوقل از ۱۲۰۰ بازرگانی که تا پیش از هجوم روسها در آن شهر به کسب و کار مشغول بودند تنها ۵ نفر زنده ماند. (۱)

### تفاوت سطح فرهنگ ازبکستان و روسیه

در سال ۱۸۵۰، گریگورف Grigor'ev، یکی از مورخین روس نوشت: هنگامی که هرج و مرج، تمصب و وحشیگری بر سرتاسر اروپا حاکم بود و آنها برای تسلط بر اروپا با یکدیگر در کشمکش بودند، امپراتوری خزر مرکز نظم و قانون و تساهل دینی، مامن و مأوای تمام کسانی به شمار می‌رفت که به خاطر اعتقادات خویش در معرض ایذا و آزار قرار داشتند و همچون ستاره‌ای درخشان بر تارک افق تیره اروپا می‌درخشید.

در قرن دهم م، در ایامی که اکثر روسها هنوز در کفر به سر می‌بردند، مدتی بود که اسلام در داغستان و نواحی شرقی ماورای قفقاز راه یافته بود، بر سراسر بخش جنوبی سیردریا در ترکستان چیره شده و در منتهی‌الیه شمالی آن سامان نیز پادشاه بلغارها به دین پیامبر [اسلام] درآمده بود. در سراسر این مناطق، به استثنای پادشاهی بلغار، از دیرباز جوامع شهری بسیار توسعه یافته‌ای نضج گرفته بود که قدمت پاره‌ای از آنها به هزاره دوم پیش از میلاد می‌رسید. حتی ترکهای کوچری مرغزارهای خزر - خزرها - که اشراف فتودال آنها دین یهود را به مثابه دین رسمی خود برگزیده بودند، در مقایسه با نیاکان روسهای فعلی، که در قرن هشتم و اوایل قرن نهم م، خراجگذار ترکها محسوب می‌شدند، از برتری سیاسی و فرهنگی به مراتب عالی‌تری برخوردار بودند.<sup>(۱)</sup>

### نام جمهوری

انتخاب نام این جمهوری هم از نکات جالب توجه است، خاندان شیبانی که حدود دو قرن از اواخر دوره تیموری تا اواسط دوره صفویه بر این منطقه حکومت می‌کردند

۱. الکساندر پیگنسن و مری براس آپ، مسلمانان شوروی، گذشته، حال و آینده، ص ۲۲ و ۲۳.

غالباً با نام‌های «شیبانی» و «ازبکیه» معروفند، ولی اینکه چرا به ازبک معروف شده‌اند درست معلوم نیست. حتی اگر یکی از اجداد این خاندان از اعقاب چنگیز بوده باشد باز هم قابل قبول نیست که اکثریت ساکنین این جمهوری مغول تبار باشند، و میدانیم که قبل و بعد از آمدن مغولان عده قابل ملاحظه‌ای از ساکنین منطقه از تاجیک‌ها، عرب‌ها و ترک‌ها تشکیل می‌شده است. حضور آریائیه‌ها در منطقه هم به ازمه پیش از تاریخ برمیگردد و پیوندهای ناگسستی گوناگون آنان با آریائیهای ساکن در سایر مناطق محدوده فرهنگی ایران هنوز از اعتبار کافی برخوردار، و کلمه ازبکستان مخلوق سنوات اخیر است. در کتاب مسلمانان شوروی می‌خوانیم که «استالین در سال ۱۹۲۴ منطقه را براساس خطوط ملی به شش دولت تقسیم کرد» که یکی از آنها ازبکستان بوده است.

#### سابقه تصرف ازبکستان توسط روسها

آقای دکتر «ورجاوند» در کتاب خراسان و ماورالنهر در این زمینه به نقل از منابع روسی می‌نویسد:

درباره تسخیر این منطقه وسیع توسط روسهای تزاری بنابر نوشته دائرةالمعارف روسیه تزاری یا «فرهنگ آنسیکلوپدیک» چنین می‌خوانیم که: حمله مسلحانه روسها در ۱۸۳۹ آغاز می‌گردد. از ۱۸۴۰ بمدت بیست سال لشکر کشی‌های متوالی صورت می‌گیرد که در سال ۱۸۶۳ نتایج شوم آن علیه مردم منطقه بدست می‌آید. در سال ۱۸۶۵ سرزمین‌های تسخیر شده بنام ایالت ترکستان نامیده می‌شود و سپس اراضی سیر دریا نیز به آن متصل می‌گردد. از ۱۸۶۴ تا ۱۸۶۷ تلاش روسها برای بزیر سلطه درآوردن مردم منطقه در ناحیه‌ای به مساحت هزار مایل مربع جریان می‌یابد. در ۱۸۶۷ حکمران نظامی به آنجا اعزام می‌گردد و سرانجام در ۱۸۷۲ منطقه مزبور زیر سلطه کامل روسها در می‌آید و

خان بخارا دست نشانده آنها می‌گردد.

در ۱۸۷۳ خان خیوه تسلیم می‌گردد و غرامت می‌پردازد و در ۱۸۷۴ بخش‌های ماوراء خزر به روسیه ملحق می‌شود. در ۱۸۷۵ جنگ دیگری در می‌گیرد که منجر به تابعیت بی‌قید و شرط «کوگانها» می‌شود. در ۱۸۸۴ روسها مرو را نیز از ایران جدا کرده به بقیه متصرفات خود ملحق می‌سازند.<sup>(۱)</sup>

### ازبکستان و ایران

برای ما که در کشور ایران زندگی میکنیم علیرغم مرزبندیهای سیاسی کنونی، هنوز هم بخارای شریف، سمرقند کندمند و سغد جنت نشان همردیف شهرهائی چون بغداد، گنجه، بلخ، لاهور، مرو، شروان و قونیه و .... بخشی از هویت و حیات فرهنگی و ملی را تشکیل میدهد. چه کسی در ایران امروز بزرگانی چون رودکی، ابوریحان، مولوی و ابوعلی سینا را هموطن نامدار و سرآمد مفاخر علمی، ادبی و مذهبی خود نمیداند.

پس از گذشت حدود هزار سال هنوز هم شعر رودکی، عرفان مولوی و علم ابوریحان بخشی از زیباییهای زندگی واقعی ما را تشکیل میدهد و باید اعتراف کرد که هنوز هم در اذهان ما شهرهائی چون خیوه و کاشغر و ویشگرد و خجند و جرجان بسیار نزدیکتر از برون و تولوز و آمستردام بوده و در شمار شهرهای خودی محسوب میشوند.

یاد عظمت بخارا این «مرز آسان» و مقایسه آن با وضع فعلی این شهر نیز آموزنده است. بخارای فعلی همچنانکه ملاحظه می‌شود از نظر جمعیت در حد شهرهای درجه ۳ ایران یا پاکستان است مگر اینکه از ابعاد انسانی ساکنین آن اطلاع بیشتری دریافت کنیم و

بهتر شناخته شود (چرا که کثرت جمعیت فقط بعد کوچکی از حیات اجتماعی جوامع را تشکیل می‌دهد).

سئوالاتی که اینک مطرح می‌گردد اینست که جمهوری ازبکستان بعد از دو بیست سال تجربه تسلط روسها (که هنوز هم اگر چه اندکی سبک شده ولی از بین نرفته) چه جایگامی خواهد داشت آیا راهی پیش روی مردم این سامان گشوده شده است که براساس آن بتوانند موقعیت والای خود را در تمدن بشری احیاء نموده و یکبار دیگر به مرکز اصلی علمی، اخلاقی و ادبی و فرهنگی صنعتی جهان تبدیل گردند؟ در اینراه کدام استراتژیها را انتخاب خواهند کرد تردیدی نیست که ارتباطات تاریخی مردم ازبکستان با کشورهای همسایه و اعضاء اکو در زمینه‌های یاد شده می‌تواند بسرعت گسترش یابد ولی با کدام خط مشی و کدام امکانات، رویه پادشاهان سامانی، آل فریغون و نظائر آنها، که تحسین دوست و دشمن را برانگیخت، انتخاب میشود یا رویه‌های غیر اخلاقی و ضد فرهنگی غربی‌ها. طرح این سئوال از این جهت نیست که ازبکستان به عضویت کشورهای اکو درآمده است، نگرانی از این جهت هم نیست که هنوز هم ازبکستان عضو کشورهای مستقل مشترک المنافع است، حتی اینکه ممکن است غربی‌ها در این کشور جای پاییی برای خودشان جستجو کنند در درجات بعدی اهمیت قرار می‌گیرد. بلکه آنها وارث تمدن بسیار باشکوهی هستند که درخشش آن چشم‌های بسیاری را خیره کرده و بزرگانی را در دامن خود پروراننده است که ستارگان پرفروغ آسمان همه سرزمین‌های ایرانی - اسلامی جهان در همه اعصار بوده است. پرکردن جایگاه آن بزرگان نیازمند تلاش‌های جان فرسا و ایثارها و از خود گذشتگی‌های در خور و شایسته است زیرا که بزرگ مردمانی در آنجا چشم به جهان گشوده‌اند. جامعه اسلامی همواره برای بزرگانی که این منطقه با عظمت در دامن خود پرورده احترام بایسته قائل بوده و بهمین دلیل هنوز

هم اخلاف آنها در این مجامع زندگی می‌کنند علاوه بر این طی دو دهه اخیر تعداد قابل ملاحظه‌ای از ازبکها بدلیل جنگ افغانستان به ایران و پاکستان مهاجرت کرده‌اند این مردم انسانند، انسانهایی که زندگی یکایک آنها باید مورد توجه قرار گیرد تعداد آنها از لحاظ عددی قابل ملاحظه است و خدمات آنها حتی در حد نیروی کار ساده از مجموع اقدامات غربی‌ها برای ما سازنده‌تر است. جمهوری اسلامی ایران با جمعیت بیش از ۶۰ میلیون نفر کشور پهناوری است و همکاریهای دو، سه و چند جانبه کشورهای عضو اگو و تبادل تجربیات اعضاء آن می‌تواند سازنده، مثبت و پربار باشد. صنایع هوائی - فضائی، فعالیتهای معدنی، الکترونیکی و فعالیت‌های زیست محیطی از این رده هستند و تقویت ارتباطات فرهنگی سالم در اولویت قرار دارد. طرح مسائلی از قبیل «سطح تکنولوژی» و «اقتصاد مکمل» ساخته ذهن غرب زده‌ها است.

مجموعه اطلاعات محدودی که ذیلا در مورد ازبکستان درج میشود از آرشیو سازمان ملل گرفته شده است تا هموطنان ما با ازبکستان آشنائی بیشتری پیدا کنند.

#### اطلاعات عمومی در مورد ازبکستان:

مساحت	۴۴۷۲۰۶ کیلومتر مربع معادل ۱۷۲۷۴۱ مایل مربع
جمعیت در سال ۱۹۹۱	۲۰۳۲۲۰۰۰ نفر
نرخ رشد جمعیت	۲/۶ و ۲/۵۵
تراکم جمعیت	۴۵ نفر در کیلومتر مربع
تولید ناخالص ملی	۵۶۸۵۹ میلیون دلار ۱۹۹۱ میلادی
تولید سرانه ناخالص	۲۷۹۸ دلار ۱۹۹۱
تولید سرانه ناخالص	۸۵۰ دلار ۱۹۹۲
مرکز	تاشکند «چاچ» ۱۹۹۱ میلادی

## خصوصیات جمعیتی عمده:

۱۵۷۹۱۰۰۰	جمعیت سال ۱۹۸۰
۲۰۳۲۲۰۰۰	جمعیت سال ۱۹۹۱
۲۰۸۵۰۰۰۰	جمعیت سال ۱۹۹۲
۲۱۳۹۲۰۰۰	جمعیت سال ۱۹۹۳
۲۵۶۰۳۰۰۰	جمعیت سال ۲۰۰۰
۲/۶ (سازمان ملل)	نرخ رشد جمعیت (۱)
۲/۵۵ (کتاب مسلمانان اتحاد شوروی)	نرخ رشد جمعیت (۲)
۲/۰ (گزارش مرکز برنامه‌ریزی)	نرخ رشد جمعیت (۳)
۴۵ نفر در کیلومتر مربع	تراکم جمعیت در سال ۱۹۹۱
۲۷ سال	زمان تقریبی دوبرابر شدن جمعیت
۴۱ درصد	نسبت شهرنشینی
-	توزیع سنی جمعیت

## شهرهای عمده و جمعیت آنها

طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی	جمعیت	نام شهر
۶۹/۱۳	۴۱/۱۶	۲۰۷۳۰۰۰	تاشکند (چاچ - بنکت)
۶۶/۴۸	۳۹/۴۰	۵۶۶۰۰۰	سمرقند
۷۱/۴۰	۴۱/۰۰	۳۰۸۰۰۰	نامنگان (نمنگان)
۷۲/۲۲	۴۰/۴۵	۲۹۳۰۰۰	اندیزهان (اندیجان)
۶۴/۲۵	۳۹/۴۸	۲۲۴/۰۰۰	بخارا
۷۱/۴۶	۴۰/۲۳	۲۰۰/۰۰۰	فرغانه
۷۰/۵۷	۴۰/۳۳	۱۸۲/۰۰۰	خوقند
۵۹/۳۷	۴۲/۲۸	۱۶۹/۰۰۰	نوکوس (نوخاس؟)
۶۹/۳۵	۴۱/۲۹	۱۵۶/۰۰۰	چرچیک (پرگ یا فرگ)
۶۵/۵۳	۳۸/۵۳	۱۵۶/۰۰۰	قرشی (نخشب)
۷۰/۱۲	۴۱/۰۱	۱۳۱/۰۰۰	آنقرن (آهنقرن)
۶۰/۳۸	۴۱/۳۳	۱۲۸/۰۰۰	ارگنج (گرگانج)
۷۱/۴۴	۴۰/۲۸	۱۲۵/۰۰۰	مارگیلان (مرغیان - مرغیلان)
۶۹/۳۵	۴۰/۵۰	۱۱۴/۰۰۰	آلمالیگ
۶۵/۱۵	۴۰/۱۵	۱۰۷/۰۰۰	ناوسی (ناخوس؟)
۶۷/۵۰	۴۰/۰۶	۱۰۲/۰۰۰	خیرک (خیره)

## آمار بهداشتی و جمعیتی ازبکستان

امید زندگی (مردان) (در بدو تولد)	۶۵ سال
امید زندگی (زنان) (در بدو تولد)	۷۴ سال
نرخ خام زاد و ولد	۳۳ در هزار
نرخ خام مرگ و میر	۶ در هزار
مرگ و میر نوزادان	۳۸ در هزار
تخت بیمارستانی	۲۴۳۰۰۰
نسبت جمعیت به تخت	۸۴ نفر یک تخت
تعداد پزشک	۷۱/۰۰۰
نسبت جمعیت به پزشک	۲۸۶ نفر یک پزشک

## زبانهای متداول و درصد جمعیت متکلم به آنها:

ازبک	٪۶۹
روس	٪۱۳
قزاق	٪۴
تاجیک	٪۴
تاتار	٪۳
سایر	٪۷

## گروه‌های قومی:

ازبک	٪۶۹
روس	٪۱۱
تاتار	٪۴
قزاق	٪۴
تاجیک	٪۴
قراقالباق	٪۲
کره‌ای	٪۱
قرقیز	٪۱
سایر	٪۴

## دین و اعتقادات:

دین اصلی	اسلام
دین فرعی	مسیحیت
سایر	غیر مذهبی‌ها

## تولید ناخالص ملی (GNP) ازبکستان

تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۸۹	۵۵۳۰۰	میلیون دلار
تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۰	۵۶۰۷۴	" "
تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۱	۵۶۸۵۹	" "
تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۲	۱۵۰۰۰	" "
رشد سالیانه تولید ناخالص ملی	۱/۴	درصد

## واردات و صادرات ازبکستان:

واردات اصلی: خودرو، کالاهای مصرفی و مواد شیمیائی

صادرات اصلی: پنبه

## منابع طبیعی، کشاورزی و صنایع ازبکستان:

منابع طبیعی: نفت، گاز، مس، سرب، روی و مولیبدون.

تولیدات کشاورزی: میوه، هندوانه، خربزه، گرمک، پنبه، برنج، گندم، گاو، گوسفند،

توت و سبزیجات.

صنایع اصلی: ماشین سازی، معدن کاری، فلزکاری، مواد ساختمانی، مواد غذایی،

روغن نباتی، مواد شیمیایی، وسایل شیمیایی و وسایل حفاری.

## حجم تولیدات کشاورزی ازبکستان:

ذرت (۱۹۸۹)	۴۶۱۰۰۰ متریک تن
گوشت (۱۹۸۸)	۴۷۸۰۰۰ متریک تن
شیر (۱۹۸۹)	۲۹۲۹۰۰۰ متریک تن
سیب زمینی (۱۹۸۹)	۳۲۵۰۰۰ متریک تن
برنج (۱۹۸۹)	۴۸۴۰۰۰ متریک تن

## تولیدات صنعتی ازبکستان:

کاغذ، و محصولات کاغذی (۱۹۸۹) ۲۶۰۰۰ متریک تن

## تولید انرژی ازبکستان:

تولید الکتریسیته (۱۹۸۸) ۵۵۹۰۰ میلیون کیلووات ساعت

تولید ذغال سنگ (۱۹۸۸) ۲۶۷۳ هزار متریک تن

تولید گاز طبیعی ۴۱۰۹۲ میلیون متر مکعب

## آموزش در ازبکستان:

دیپستان	-
تعداد مدارس	۸۵۷۳
تعداد دانش آموزان	۴۹۲۶۳۰۰
دانشگاه	
تعداد	۴۴
دانشجو	۳۳۱۶۰۰
نرخ باسوادی	٪۹۸

## فرهنگ و توریسم در ازبکستان:

- زبانهای رسمی: ازبک، روسی
- بهداشت: آب همیشه قابل اطمینان نیست توجه کافی در پایتخت اعمال می شود اما داروی مورد نیاز گاهی نایاب است.
- مناظر دیدنی: تاشکند، بخارا، سمرقند، ارگنچ، خیوه، قطعه گرگان، دریای آرال (خوارزم)، اندیجان، نامنگان، قرشی
- آب و هوا: متفاوت، از کویری تا جنگل های قاره ای
- پول رایج: روبل

## تاریخچه ازبکستان

سرزمینی که بنام ازبکستان شناخته می‌شود در گذشته مورد هجوم ارتش‌های ایران، یونان، عرب و مغول قرار گرفته است. در آغاز قرن ۱۹ ازبکستان به سه خان‌نشین تقسیم شده بود بخارا، خیوه و خجند.

● سال ۱۴۰۰ میلادی کشور ازبکستان برای مدت ۴۰۰ سال توسط خان‌نشین‌های مختلف اداره شده است.

● سال ۱۸۶۸ میلادی: خان‌نشین بخارا از طرف روسیه، بعنوان حافظ منافع، ضمیمه روسیه تزاری شد

● سال ۱۸۷۳ میلادی: خانات خیوه ضمیمه روسیه شده است

● سال ۱۸۷۶ میلادی: خانات خجند ضمیمه روسیه گردید

● سال ۱۹۱۷ میلادی: دولت مسلمانی برهبری مصطفی چکایو در خجند تشکیل گردید

● سال ۱۹۱۸ میلادی: ارتش سرخ کنترل خجند را بدست می‌گیرد جمهوری خودگردان یا اوبلاست (Oblast) تشکیل خود را اعلام مینماید.

● سال ۱۹۲۰ میلادی: خیوه و بخارا جزو اتحاد جماهیر شوروی می‌شوند.

● سال ۱۹۲۹ میلادی: ترکستان، خیوه، بخارا به پنج منطقه قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان تقسیم می‌شوند.

● سال ۱۹۳۷ میلادی: ازبک‌های زیادی در تصفیه بزرگ استالین به قتل میرسند

● سال ۱۹۹۱ میلادی: ازبکستان و جمهوری‌های دیگر پس از فروپاشی اتحاد شوروی استقلال خود را باز می‌یابند (۲۵ دسامبر) و در ۳۰ دسامبر در اولین گردهم‌آئی کشورهای مستقل مشترک المنافع در مینسک شرکت می‌کنند.

## آب و هوای تاشکند «چاچ»

ماه	میزان رطوبت (به اینچ)	حداقل درجه حرارت (فارنهایت)	حداکثر درجه حرارت (فارنهایت)
ژانویه	۲/۱	۲۱	۳۷
فوریه	۱/۱	۲۷	۴۴
مارس	۲/۶	۳۷	۵۳
آوریل	۲/۳	۴۷	۶۵
می	۱/۴	۵۶	۷۸
ژوئن	۰/۵	۶۲	۸۷
جولای	۰/۲	۶۴	۹۲
آگوست	۰/۱	۶۰	۸۹
سپتامبر	۰/۱	۵۲	۸۰
اکتبر	۱/۲	۴۱	۶۵
نوامبر	۱/۵	۳۵	۵۳
دسامبر	۱/۶	۲۹	۴۴

## موقعیت و شرایط طبیعی

جمهوری ازبکستان در میان رودخانه‌های سیر در دریا (سیحون) و آمودریا (جیحون)، دریاچه آرال و دامنه سلسله کوه‌های تین شیان واقع شده است. این جمهوری از شمال با جمهوری قزاقستان، در شرق و جنوب شرقی با تاجیکستان، از شرق با قرقیزستان، از جنوب با افغانستان و در غرب با ترکمنستان هم مرز می‌باشد. مساحت کل

این جمهوری ۲۴۷۴۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. مرکز آن شهر تاشکند (چاچ) بوده و دارای ۱۲۳ شهر و شهرستان و یک منطقه خودمختار بنام قره‌قالپاق است.

بخش عمده‌ای از جمهوری ازبکستان را صحرای قزل‌قوم در بر گرفته است و دو سوم خاک آن بیابانی و نیمه بیابانی است. این سرزمین از نظر آب و هوا خشک بوده و حداکثر دمای آن در تابستان به ۴۷ درجه سانتیگراد و حداقل دما در زمستان به ۲۰ درجه سانتیگراد می‌رسد.

این جمهوری دارای ذخائر فراوان گاز طبیعی، نفت، ذغال سنگ، مس، مولیبدون، تنگستن، اورانیوم، فلوراید، کلسیم طبیعی و طلا می‌باشد. طلا در این جمهوری با بالاترین کیفیت یعنی درجه خلوص ۹۹/۹۹ درصد استخراج می‌گردد.

از لحاظ کشاورزی ازبکستان دارای دشتهای حاصلخیزی می‌باشد که در آنها به کشت پنبه، برنج و انواع میوه می‌پردازند. با وجود اینکه یکصد رشته صنعتی در این جمهوری وجود دارد که تولیداتشان به بیش از هفتاد کشور جهان صادر می‌شود. اقتصاد این جمهوری تک محصولی بوده و بر پایه کشت پنبه استوار می‌باشد.

اطلاعات عمومی در مورد وضعیت کلی اقتصاد، جمعیت و نیروی انسانی ازبکستان

### آفت پول ملی

یکی از شاخص‌هایی که بیانگر وضع اقتصادی کشورها است و خود یکی از مشکلات عمده ازبکستان و تعدادی از کشورهای عضو اکو محسوب می‌شود آفت شدید پول ملی است. روبل که قبلاً پول ازبکستان نیز محسوب می‌شد در اواخر دهه ۱۹۸۰ با

بیش از یک دلار معاوضه میشد ولی این پول افت شدیدی کرده و در حال حاضر بیش از ۳۶۰۰ روبل با یک دلار معاوضه می‌گردد. تورم حدود ۷۰۰ درصد در ازبکستان بیانگر وضع نابسامان اقتصاد در این جمهوری است. البته این رقم در مقایسه با قزاقستان، اوکراین، و روسیه که شاهد بیش از ۱۵۰۰ درصد تورم بوده‌اند، از حالت متعادل‌تری برخوردار است.

با توجه به این مسئله اکثر کشورهای مشترک‌المنافع، برای جلوگیری از مشکلات ناشی از این امر، اقدام به جایگزینی پولهای ملی خود بجای روبل کردند ولی بدلیل مشکلات مالی و ناتوانی اقتصادی تاکنون هیچکام از آنها قادر به تثبیت نرخ پول ملی خود نشده‌اند.

از نظر تراکم جاده وضعیت ازبکستان تقریباً مشابه ایران است و بازاء هر یکصد کیلومتر مربع مساحت حدود ۱۰ کیلومتر جاده دارد.

از نظر راه‌آهن اگرچه وضع ازبکستان با کشورهای چوَن فرانسه و آلمان (که مساحتشان در یک حدود است) قابل مقایسه نیست ولی در مقایسه با استان خراسان و حتی کل ایران از وضعیت بهتری برخوردار است و دارای حدود ۳۵۰۰ کیلومتر راه‌آهن است. شاخص تراکم راه‌آهن در هر صد کیلومتر مربع به حدود ۰/۷ کیلومتر بالغ می‌شود. (دو برابر شاخص این تراکم برای ایران)

در سال ۱۹۹۱ در این کشور ۴۱ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی و ۳ میلیون تن نفت و ۵/۵ میلیون تن ذغال سنگ استخراج شده است که نشاندهنده غنای منابع طبیعی در ازبکستان است. این جمهوری در کوتاه مدت ناگزیر است که بخشی از مواد خام خود را جهت تقویت بنیه اقتصادی به خارج صادر نماید.

از جمعیت ۲۲ میلیون نفری ازبکستان حدود ۴۱/۶ درصد در گروه سنی زیر ۱۴ سال

و ۵۳/۹ درصد در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال قرار دارند و ۴/۵ درصد باقیمانده جمعیت مربوط به کسانی است که در گروه‌های سنی ۶۵ ساله و بالاتر قرار دارند.

نرخ رشد فعلی جمعیت ازبکستان را حدود ۲ درصد برآورد کرده‌اند که از این حیث در بین کشورهای عضو اوکو در رده میانی قرار دارد و از میانگین جهانی بالاتر است. گزارشهای قبلی حاکی از نرخ رشدهای بالاتر بوده که از ۴ درصد تا ۲/۵۵ تغییر می‌کرده است. ۴۰ درصد جمعیت ازبکستان شهرنشین هستند که در مقایسه با جوامع صنعتی غرب (۷۴ درصد) از سطح شهرنشینی پایین‌تری برخوردار است.

میزان مرگ و میر کودکان در فاصله سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۱ میلادی از حدود ۵۳/۸ در هزار به حدود ۳۵/۸ در هزار کاهش یافته است<sup>(۱)</sup> در عین حال همین شاخص در مقایسه با جمهوری‌های قزاقستان و آذربایجان بالاتر است.

تولید ناخالص داخلی ازبکستان در حدود ۱۵ میلیارد دلار است که از این حیث در بین کشورهای تازه استقلال یافته پس از قزاقستان قرار دارد.

تولید ناخالص سرانه ازبکستان در حدود ۸۵۰ دلار در سال می‌باشد<sup>(۲)</sup> که در حدود ایران است البته در سنوات قبل بیش از ۲۵۰۰ دلار بوده که بدلیل مشکلات اقتصادی و بحران ایجاد شده در وضعیت روبل با یک افت ناگهانی روبرو گردیده است. این رقم با متوسط کشورهای صنعتی که ۲۲۱۶۰ دلار برآورد شده تفاوت بارزی نشان می‌دهد و حتی از متوسط کشورهای در حال توسعه نیز که ۱۰۴۰ دلار اعلام شده است پایین‌تر می‌باشد. یادآور می‌شود ارقامی که غربی‌ها اعلام می‌کنند نیازمند تصحیح قابل ملاحظه است، مثلاً در کشوری مثل انگلستان که قیمت خرده‌فروشی یک سیب بیش از یک پاوند

1. Population, March-April 1994, No. PP 378, 379.

۲. اکو - نمایی از تواناییهای انسانی و منابع اقتصادی - مؤسسه عالی پژوهشی در برنامه‌ریزی توسعه، ص ۵۸.

انگلیسی است بالا بودن متوسط درآمد سرانه به معنی رفاه بیشتر اکثریت مردم نیست. در سال ۱۹۹۰ میزان باسوادی در بین افراد پانزده ساله و بیشتر جمهوریهای تازه استقلال یافته در سطح بسیار بالا و حدود ۹۷ درصد است. این رقم حتی در مقایسه با کشورهای پیشرفته صنعتی (با نرخ باسوادی ۹۶٪) در سطح بالاتری قرار دارد. نسبت هزینه‌های آموزشی ازبکستان به کل تولید ناخالص داخلی بیش از ۵/۳ درصد است که بازم از کشورهای صنعتی بیشتر است.

ازبکستان با حدود ۴/۵ میلیون دانش‌آموز دبیرستانی و حدود ۳۴۰ هزار دانشجو و متوسط سالهای آموزشی ۵ سال برای کل جمعیت، در مقایسه با کشورهای ایران (۳/۹ سال) و ترکیه (۳/۵ سال) و پاکستان (۱/۹ سال) از وضع آموزشی بالاتر برخوردار است و تقریباً حدود یک دوم سنوات تحصیلی کشورهای صنعتی (حدود ده سال) را مردم این کشور در تحصیل می‌گذرانند.

سایر نسبت‌های این کشور از قبیل نسبت جمعیت به پزشک، (۲۳۰ نفر)، نسبت نرس به دکتر (حدود سه نفر) نسبت هزینه‌های بهداشتی به تولید ناخالص داخلی، تعداد تختهای بیمارستانی برای هر هزار نفر جمعیت (۱۲ تخت) از وضعیت قابل قبولی برخوردار است. (یادآور میشود که در ایران نسبت جمعیت به پزشک حدود ۳۰۰۰ نفر و نسبت نرس به دکتر حدود یک به یک است و نسبت تخت بیمارستانی برای هر هزار نفر جمعیت کمتر از ۱/۵ تخت است.

شاخص امید زندگی در بدو تولد در ازبکستان نزدیک ۶۹ سال است که از این حیث از ایران و ترکیه و پاکستان بالاتر است.

این ارقام همگی نشان میدهند که ابعاد کار انجام شده در ازبکستان بسیار قابل توجه بوده است.

وضع ازبکستان بدون تردید تغییر خواهد کرد با توجه به اینکه اسلاف مردم این جمهوری به گردن ما، جامعه اسلامی، جامعه جهانی و بویژه دنیای علم، حقوق مسلمی دارند امکان مثبت بودن این تغییر زیاد است.

بنام مثال در فرهنگ اسکان بشر امروزه اصطلاح جدیدی بنام «منطقه - شهری» رواج پیدا می‌کند که معمولاً جمعیتی بیش از یک ابر شهر دارند ولی کسی که با تاریخ منطقه آشناست می‌داند که اینوع اسکان قدیمی است. در همین ازبکستان حداقل دو منطقه شهری بزرگ وجود داشته است که یکی از آنها در بخارای باشکوه و دیگری در سمرقند دل‌انگیز بوده، به نحوی که حصار هر دو شهر دوازده فرسخ در دوازده فرسخ بوده و ما نام بیش از هفت شهر را در داخل حصار بخارا می‌دانیم و همه برآوردها نشان می‌دهند که شهرهای بخارا و سمرقند قبل از دوره خوارزمشاهیان و اواخر دوره سلجوقی بیش از نیم میلیون نفر جمعیت داشته‌اند. یکجا نشینی این تعداد در مقیاس فعلی نیز یک ابرشهر محسوب می‌گردد و لابد شهرهای دیگر داخل حصار نیز پرجمعیت بوده‌اند تا جاییکه روستاهای آنجا را نیز از شهرهای کوچک نقاط دیگر پرجمعیت تر نوشته‌اند.

از جمله اقدامات مردم ازبکستان در زمینه صنایع که برای آنان حق پیشگامی ایجاد میکند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ساخت نخستین قمر مصنوعی که در کتب اسلامی بنام «ماه نخشب» معروف است. قدیمترین سابقه ساخت پمپ، دینام، ترازو و بسیاری از محصولات صنعتی از این رده هستند که در راس آنها تولید، عرضه و انتقال تکنولوژی ساخت کاغذ قرار دارد و معلوم است که بدون در اختیار بودن کاغذ، علم و توسعه آن در دنیای اسلام و غرب سرنوشت دیگری پیدا می‌کرد.

مناسفانه در حال حاضر ازبکستان با دریای گرگان مرتبط نیست درحالیکه در نقشه‌های

قدیمتر باریکه‌ای از نوار کویر غربی این دریا در حد فاصل مرز جمهوری‌های قزاقستان و ترکمنستان به این جمهوری واگذار شده بود. اگر همان محدوده حفظ شده بود، امکان برقراری تماس مستقیم با جمهوریهای آذربایجان، روسیه و ایران را پیدا می‌کرد.

امید است که این جمهوری و مردم آن بتوانند با دقت، هوشیاری و فعالیت هرچه بیشتر به بحران ناشی از وضعیت جدید فائق آمده و به تثبیت موقعیت خود و ارتقاء آن پردازند.

شرایط خاص ازبکستان از جمله مرکزیت مذهبی تاشکند، وجود منابع غنی و نیروی انسانی کارآمد این امکان را فراهم می‌کند. خلاصی از هزینه‌های نظامی، پرهیز از مداخلات سیاسی و ایجاد تنش در بین همسایگان و مشارکت در سازندگی سایر کشورها از جمله افغانستان، توسعه هرچه بیشتر همکاری با جوامع مسلمان و کشورهای جنوب از مواردی هستند که می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند. فعال ساختن محور بخارا- بلخ- هرات- طوس یا بلخ- زاهدان (علاوه بر محور مرو) به ظرفیت مبادلاتی ازبکستان خواهد افزود.

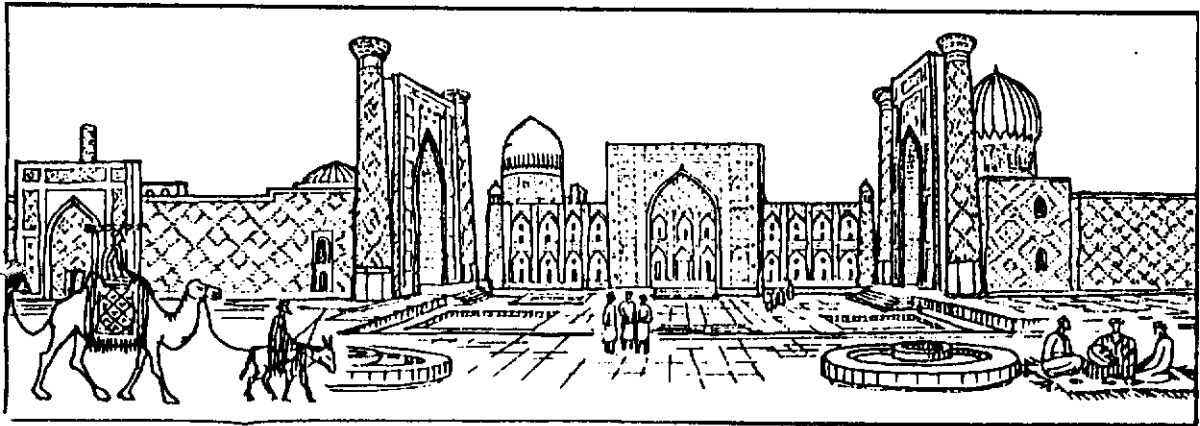
بدیهی است که امکان رقابت ازبکستان با تراستهای بین‌المللی، بمنزله جنگ پشه با حبشه است و تداوم فروش مواد خام نیز برای ازبکستان و مردم آن ثمربخش نخواهد بود. کما اینکه برای ایران نبوده است.

ولی کمک به انتقال تکنولوژی با توجه به سطح تکنولوژیکی کشورهای جنوب از مواردی است که میتواند کارساز باشد. ارائه خدمات، زمینه دیگری است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

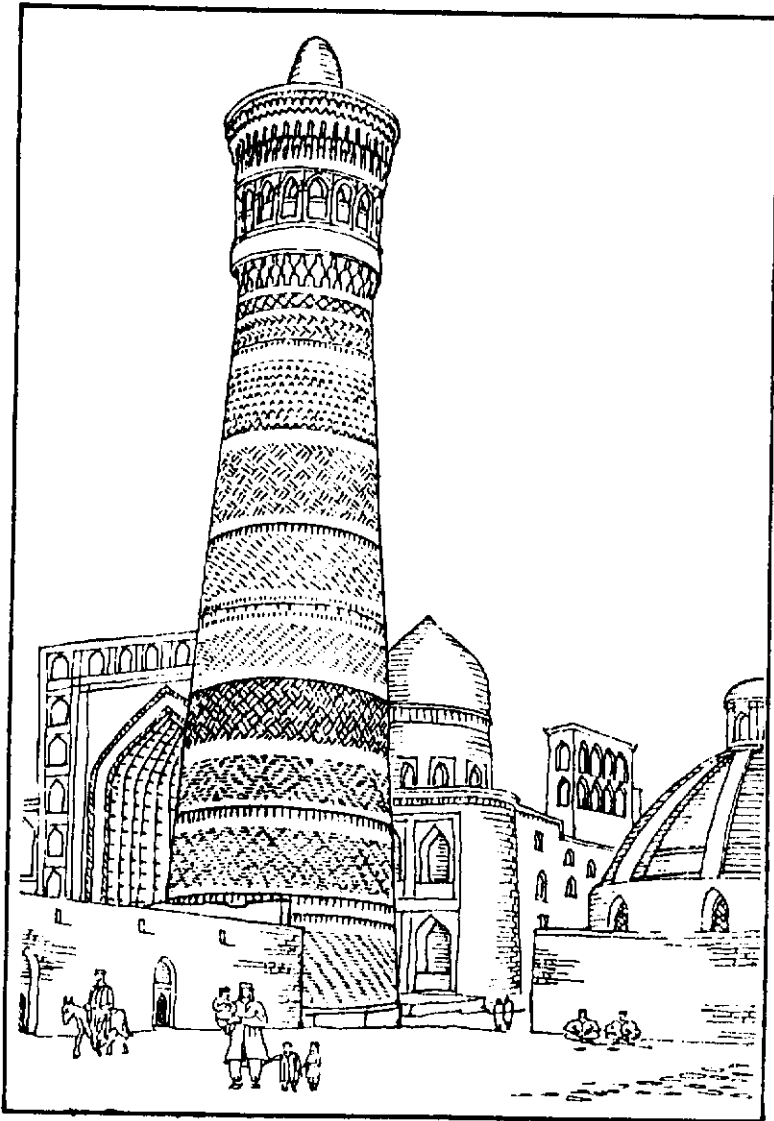
از نظر برنامه‌های داخلی نیز تغییر مرکزیت از تاشکند (چاچ سابق) به سمرقند یا شهر دیگر به توسعه داخلی این جمهوری مساعدت خواهد کرد. (شهر تاشکند از مرکزیت

جمعیتی این جمهوری فاصله دارد) با توجه به نرخ رشد جمعیت و میزان شهرنشینی و احتمال تسریع آن در آینده احتمال تغییر مرکزیت از هم اکنون قابل بررسی است.

برای نویسنده و کلیه علاقمندان به سرنوشت مردم این جمهوری آرزوی دیدن یک کشور توانمند، اخلاقی و صمیمی در جامعه اکو و نزدیک به مرکز آسیا و اثبات مکرر شایستگی مردم نجیب، مقاوم و پر تلاش آن به مفهوم موفقیت یک دوست یک برادر و یک همسایه است.



سمرقند میدان رحستان با سه ورودی بزرگ



بخارا، منار کالیان

مأخذ: تاریخ شهرسازی فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران حسین سلطانزاده - شهرداری تهران - ۱۳۷۲